

بررسی رابطه بین نگرش نوجوانان نسبت به پدر و احساس تنهایی

دکتر آتوسا کلانترهرمزی^۱، نه‌وین کانی‌سانانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۱۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین احساس تنهایی و نگرش نسبت به پدر در بین نوجوانان بر پایه روش همبستگی انجام گرفت. فرض اساسی این پژوهش آن است که نوع نگرش نوجوان به پدر پیش‌بین احساس تنهایی است. نمونه این پژوهش را ۲۳۵ دانش‌آموز دبیرستانی شهرستان مریوان انتخاب شدند و به سؤالات مقیاس روش تصادفی خوشه‌ای از بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان مریوان انتخاب شدند و به سؤالات مقیاس احساس تنهایی تجدیدنظر شده UCLA (راسل و همکاران، ۱۹۸۰) و پرسشنامه نگرش فرزند به پدر (هادسون، ۱۹۹۲) پاسخ دادند. یافته‌ها نشان دادند که بین نگرش نوجوان به پدر و احساس تنهایی رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد و هر چه نگرش نوجوان نسبت به پدر منفی‌تر باشد، بیشتر احساس تنهایی را تجربه می‌کند. در این اثر تأثیر سه متغیر جنسیت، ترتیب تولد و میزان درآمد خانواده نیز بررسی شد که نتایج بدین شرح است: جنسیت بر این رابطه تأثیرگذار است و همبستگی بین نگرش نوجوان به پدر و احساس تنهایی در پسران قوی‌تر از دختران است ولی ترتیب تولد و میزان درآمد خانواده بر این رابطه تأثیر نداشتند.

واژگان کلیدی: احساس تنهایی، نگرش نسبت به پدر، نوجوان

۱. استادیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی تهران، at.kalantar@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، awin.k63@gmail.com

مقدمه

بر اثر پیشرفت روزافزون جوامع و کم‌رنگ شدن روابط انسانی و هم‌چنین تغییر ماهیت این روابط، یکی از پدیده‌هایی که توجه محققان را در این حوزه به خود جلب کرده احساس تنهایی^۱ است. احساس تنهایی پدیده‌ای فراگیر و شایع در دنیای مدرن محسوب می‌شود که به طور فزاینده‌ای برای میلیون‌ها نفر مشکل‌ساز است (لی راکس^۲، ۲۰۰۸). کمتر کسی وجود دارد که ادعا کند این احساس را تجربه نکرده و یا با احساس انزوای اجتماعی غریبه باشد. اولین تجاربی که ما از احساس تنهایی داریم مربوط به زمانی است که از والدین خود، اغلب موقت و کوتاه، جدا شده‌ایم. از زمانی که کودک وارد مدرسه و گروه همسالان می‌شود، ممکن است رنج طرد شدن توسط دوستان را حس کند. و یا در دوران نوجوانی و بلوغ ممکن است به این درک برسد که اولین عشق هم با لذت همراه است و هم رنج و تألم و این که گذرا و موقتی است. و یا زمانی که فرد خانه را به مقصد دانشگاه و یا یافتن شغلی جدید ترک می‌کند و با چالش‌های اجتماعی مواجه می‌شود و دچار احساس تنهایی می‌شود و تا زمانی که دوستی جدید پیدا کند و یا شبکه‌ای از روابط اجتماعی را برای خود خلق کند این احساس از بین نمی‌رود. البته احساس تنهایی فقط به صرف این که فرد در زنجیره‌ای از روابط اجتماعی باشد، از بین نمی‌رود زیرا در برخی موارد فرد در جمع حضور دارد و باز هم احساس تنهایی می‌کند. در حقیقت می‌توان گفت که ما انسان‌ها در سرتاسر زندگی خود همواره در معرض ابتلا به این احساس هستیم. احساس تنهایی را می‌توان در یک پیوستار قرار داد که از احساس‌های ناخوشایند بی‌ثبات تا آزرده‌گی‌های شدید و دائمی را شامل می‌شود. شواهد زیادی تأکید می‌کند که وقتی احساس تنهایی شدید و مداوم باشد می‌تواند سلامت روانی فرد را به مخاطره بیاندازد. رنج ناشی از احساس تنهایی گواهی است بر اهمیت روابط و پیوندهای اجتماعی در زندگی انسان (پپلو^۳، ۱۹۸۸).

-
1. Loneliness
 2. Le Roux
 3. Peplau

احساس تنهایی یکی از مفاهیم پیچیده روان‌شناختی است. تعریفی که امروزه از آن وجود دارد با مفهومی که این واژه در قدیم‌الایام داشته متفاوت است. در گذشته این احساس، مفهومی مثبت قلمداد می‌شد و بیشتر تداعی‌کننده ریاضت و دوری از اجتماع برای رسیدن به شأن و منزلت بالای انسانی، تعمق، مراقبه و ارتباط با خدا، بود. اما امروزه این واژه بار معنایی منفی دارد و بیشتر بر تجربه ناخوشایندی که در پی عدم وجود همدم در زندگی حس می‌شود، دلالت دارد (رحیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). پژوهشگران تعاریف متفاوتی از احساس تنهایی ارائه داده‌اند ولی در بین تمامی این تعاریف، متخصصان در سه نکته توافق نظر دارند:

اول این که، احساس تنهایی تجربه‌ای ذهنی^۱ است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را با انزوای اجتماعی عینی یکی دانست. زیرا افراد ممکن است هم در هنگامی که تنها هستند و هم هنگامی که در جمع هستند احساس تنهایی کنند. به همین دلیل تنها بودن^۲ و احساس تنهایی مفاهیمی یکسان نیستند (پپلو، ۱۹۸۸).

دوم، احساس تنهایی ناشی از ضعف فرد در روابط اجتماعی است و زمانی روی می‌دهد که بین روابط اجتماعی واقعی فرد و آنچه که او از این روابط انتظار دارد، ناهم‌خوانی وجود دارد. این کاستی به چند شیوه قابل توصیف است. بعضی محققین (سالیوان^۳، ۱۹۵۳؛ ویس^۴، ۱۹۷۳)، بر این مفهوم تأکید دارند که نیازهای اساسی انسان برای صمیمیت برآورده نمی‌شود. بعضی دیگر (پپلو و پرمن^۵، ۱۹۸۱)، بیشتر از بعد شناختی به آن می‌پردازند و معتقدند که از نظر نوع، کمیت و کیفیت روابط، بین آنچه فرد خواهان آن است و تلقی و تعبیر او نیز از این روابط، تضاد وجود دارد. با وجود این، همه متخصصان معتقدند که در تعریف احساس تنهایی نوعی ضعف در روابط وجود دارد.

-
1. Subjective
 2. Aloneness
 3. Sullivan
 4. Weiss
 5. Peplau & Perlman

سوم، احساس تنهایی، تجربه‌ای تلخ و آزاردهنده است. گرچه احساس تنهایی در برخی موارد ممکن است منجر به رشد شخصی شود، با این وجود تجربه‌ای ناخوشایند و دردناک است. کسانی که احساس تنهایی می‌کنند، احساساتی از قبیل افسردگی، پوچی، اضطراب، خستگی، درماندگی و استیصال را گزارش می‌دهند. و احساس تنهایی را با شادی و رضایت توصیف نمی‌کنند (پیلو، ۱۹۸۸: ۱۲۹-۱۲۸).

گرچه عموماً باور بر این است که در دوران کهنسالی احساس تنهایی اجتناب‌ناپذیر است، تحقیقات نشان می‌دهد که نوجوانان و افرادی که در بدو بزرگسالی هستند، به‌طور ویژه مستعد آنند که احساس تنهایی و طردشدگی کنند (کیلین^۱، ۱۹۹۸؛ لی روکس، ۲۰۰۱؛ تیلور و همکاران^۲، ۲۰۰۳). نوجوانی^۳ برهه‌ای حساس از زندگی است که بسیاری از تغییرات شگرف فیزیکی، روانی و اجتماعی در آن روی می‌دهد. نوجوانان جزء اقشاری‌اند که به‌طور خاص در معرض ابتلاء به این ناخشنودی عاطفی هستند (لی روکس، ۲۰۰۸). آمار نشان می‌دهد که ۷۹٪ از نوجوانان زیر ۱۸ سال در حال تجربه کردن احساس تنهایی‌اند. در مقابل، ۵۳٪ از بزرگسالان بین ۴۵ تا ۵۴ سال از احساس تنهایی خبر داده‌اند، این در حالی است که فقط ۳۷٪ از افراد بالای ۵۵ سال احساس تنهایی را گزارش داده‌اند (تیلور و همکاران، ۲۰۰۳). گرچه عوامل متعددی باعث به وجود آمدن احساس تنهایی می‌شود، بعضی از محققان بر این عقیده‌اند که این احساس می‌تواند ناشی از تجارب ناخوشایند دوران کودکی باشد، تجاربی که در پی برآورده‌نشدن نیاز به صمیمیت شکل گرفته است. نوجوانانی که احساس تنهایی می‌کنند زمینه بروز اختلالات روانی، اضطراب، سوءرفتار، کنش‌های جنسی خطرناک، رفتارهای پرخاشگرانه (روکاج و همکاران^۴، ۲۰۰۱؛ سالوجا و همکاران^۵، ۲۰۰۴)، گرایش به خودکشی (کیلین، ۱۹۹۸؛ مک‌وایرتر^۶، ۱۹۹۰؛ روکاج و

-
1. Killeen
 2. Taylor *et al.*
 3. Adolescence
 4. Rocach *et al.*
 5. Saluja *et al.*
 6. McWhirter

همکاران، ۲۰۰۱) و آسیب پذیری در مقابل بیماری های جسمی را نشان می دهند (روکاچ و همکاران، ۲۰۰۱).

توجه به اهمیت احساس تنهایی در دوران نوجوانی و تأثیراتی که این احساس در زندگی نوجوان و به احتمال زیاد در دوران بزرگسالی او خواهد داشت، اهمیت پرداختن به آن را روشن می کند. به اعتقاد اندرو میل کاف^۱ (۱۹۹۹)، آنچه که تمام نوجوانان نیاز دارند شامل موارد زیر است: مکانی امن، انجام دادن کارهای ارزشمند، حس تعلق، احساس توانمندی، حس امیدواری و داشتن رابطه با کسانی که وجودشان در زندگی او معنادار باشد. به اعتقاد او کلیت نوجوان با محقق شدن عوامل ذکر شده شکوفا می شود که البته تحقق این نیازها باید با توجه به تفاوت های فردی و بر مبنای احترام متقابل متجلی شود که این مهم بر عهده والدین نوجوان است.

نگرش فرد به ابعاد اجتماعی مبنایی برای تعاملات او با دیگران است (بنت و سانی^۲، ۲۰۰۳). نگرش ممکن است به مثابه جهت گیری ای پایدار تعریف شود که شامل عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری است (تیلور و همکاران، ۲۰۰۳). عنصر شناختی نگرش شامل افکار و باورهای فرد نسبت به مسائل نگرشی است (لاو و ادواردز^۳، ۱۹۹۸). فرایندهای شناختی، تعیین کننده نوع ارزیابی افراد از موقعیت شان است (گیروود^۴، ۱۹۹۸). پیلو و پرلمن تعریف خود از احساس تنهایی را بر طبق فرایندهای شناختی این چنین بیان می کنند: «احساس تنهایی تجربه ای ناخوشایند است و زمانی روی می دهد که در شبکه روابط اجتماعی فرد چه از نظر کمی و چه از بعد کیفی کاستی های عمده ای بوجود آید». ارزیابی افراد، تعیین کننده میزان احساس تنهایی ای است که تجربه می کنند و حتی این ارزیابی آنان است که منعکس کننده وجود یا عدم وجود احساس تنهایی است. ارزیابی افراد وابسته به فرایندهای شناختی است و شکل گیری این فرایندها و تکامل آن به دوران کودکی بازمی -

-
1. Andrew Malekoff
 2. Bennett & Sani
 3. Louw & Edwards
 4. Gierveld

گردد. کودکان طرحواره شناختی و بازنمایی‌هایشان را از تعامل با والدین‌شان شکل می‌دهند (فرمن و همکاران^۱، ۲۰۰۲).

عنصر عاطفی اشاره دارد بر احساساتی که با نگرشی خاص همراه است (لاو و ادواردز، ۱۹۹۸). فقدان درگیری^۲ و حضور پدران در شکل‌گیری و رشد عاطفی فرزندان‌شان ممکن است این چنین پیامدهای منفی‌ای به دنبال داشته باشد: افسردگی، ضعف خودانگاره، خشونت، اضطراب، جدایی، طرد، انزجار از خود (خودبیزاری)، اختلال عاطفی و بسیاری مشکلات دیگر، که بدون شک باعث تأخیر در فرایند طبیعی رشد می‌شود (چریتی^۳، ۲۰۰۳؛ کاپیکیران^۴، ۲۰۱۲). صفات شخصیتی مثبت از قبیل همدلی، خودانگاره‌ی مناسب (گرین^۵، ۲۰۰۲؛ اسمیت^۶، ۱۹۹۶)، خویشن‌داری، سلامت روانی، کفایت اجتماعی، و مهارت‌های اساسی زندگی حاصل روابط فرزندان با پدری صمیمی است (ایوانز و فوگارتی^۷، ۱۹۹۹). براساس تحقیقات انجام‌شده حضور پدر و مادر به گونه‌ای متفاوت بر روابط تأثیر می‌گذارد (داچام و همکاران^۸، ۲۰۰۲؛ لیبرمن و همکاران^۹، ۱۹۹۹). حضور پدر اهمیت ویژه‌ای در کاهش تعارض در روابط دوستانه دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در کل پدران نسبت به مادران زمان کمتری را به تربیت فرزندان اختصاص می‌دهند، زمان تعامل پدرها با فرزندان‌شان حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد زمانی است که مادرها به فرزندان‌شان اختصاص می‌دهند (کم^{۱۰}، ۲۰۰۲). به‌علاوه در خانواده‌هایی که میزان ساعات و نوع فعالیتی که پدر با فرزند خود دارد با ساعات و نوع فعالیت مادر یکسان باشد، باز هم از نظر ماهیت

-
1. Furman et al.
 2. Involvement
 3. Chaity
 2. Kapikiran
 5. Green
 6. Smith
 7. Evans & Fogarty
 8. Ducharme *et al.*
 9. Lieberman *et al.*
 10. Lamb

و کیفیت درگیری و تعامل تفاوت چشمگیری بین مادر و پدر وجود دارد (ویلیامز و کلی، ۲۰۰۵).

منظور از مؤلفه رفتاری نگرش، قصد و نیتی است که فرد از رفتار کردن به شیوه‌ای خاص دارد (لاو و ادواردز، ۱۹۹۸). نوجوانان ممکن است به محرک‌های تنش‌زا با پرخاشگری یا سرکوبی و یا مواردی از این قبیل واکنش نشان دهند. سرکوبی مستلزم بازداری احساسات است، که به موجب آن نوجوان از لحاظ عاطفی خودش را از دیگران جدا می‌کند (اسکومن و وان‌در‌والت، ۲۰۰۱).

فقدان شخصیت پدر که به ویژه در حال تبدیل شدن به یکی از پدیده‌های متداول دنیای مدرن است، و فقط در نتیجه مرگ یا طلاق نیست بلکه می‌تواند حاصل عدم ارتباط صمیمی با پدر باشد، محرک کنش‌زای عمده‌ای برای نوجوانان است (پوپنوی، ۱۹۹۶). به میزانی که تعامل نوجوانان با والدین‌شان بیشتر باشد، با موفقیت بیشتری بازنمایی شناختی خود را شکل می‌دهند. این طرحواره‌ها و انتظارات به رفتار نوجوانان جهت می‌دهند و بر شناخت، افکار و احساسات آن‌ها تأثیر می‌گذارند (فرمن و همکاران، ۲۰۰۲). از آن جا که هر نگرشی افکار، احساسات و کنش‌های مختص به خود را دارد، ممکن است چنین استنباط شود که جهت‌گیری رفتار نوجوان بر اساس نگرشی است که او نسبت به یکی از والدینش یا هر دوی آن‌ها دارد. پدرها به طور خاص، نقش اساسی‌ای در رشد فرزند ایفا می‌کنند؛ که این نقش تأثیر عمده‌ای بر رشد اجتماعی، عاطفی و فکری فرزندان دارد (چریتی، ۲۰۰۳؛ اسمیت، ۱۹۹۶). به گفته سالیوان "علت احساس تنهایی ممکن است ناشی از تجارب ناخوشایند دوران کودکی (مثل از دست دادن یکی از والدین بر اثر طلاق یا مرگ) باشد که منجر به تحقق نیافتن نیاز به صمیمیت می‌شود." همان طور که بیشتر ذکر شد، تحقیقات نشان داده‌اند که فرزندان طلاق نسبت به فرزندان خانواده‌های سالم به احتمال بیشتری هنگام بزرگسالی دچار احساس تنهایی می‌شوند (تیلور و همکاران، ۲۰۰۳). اگر

-
1. Williams & Kelly
 2. Schoeman & Van der Walt
 3. Popenoe

پدر و مادر روابط خوبی نداشته باشند ولی پدر بتواند در زندگی فرزند حضور عاطفی خود را حفظ کند، تأثیرات منفی ناشی از طلاق به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌یابد (ایوانز و فوگارتی، ۱۹۹۹).

با مروری بر پژوهش‌های انجام شده در زمینه احساس تنهایی می‌توان گفت که عوامل متعددی در بروز این احساس در مقاطع و دوران‌های مختلف زندگی نقش دارند. بر اساس تحلیل محتوای پیشینه پژوهشی، مصاحبه با مشاوران و مصاحبه با دانشجویان، احساس تنهایی دربرگیرنده مؤلفه‌های ذیل است: هیجانی، اجتماعی، خانوادگی، احساساتی، دوستان، گروه‌های بزرگتر (پیوندجویی گروهی)، هستی‌گرایی و مذهبی/معنوی. که از میان این عوامل دو عامل هیجانی و اجتماعی آن از جمله عمده‌ترین عوامل هستند (رحیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). با توجه به اهمیت مبحث احساس تنهایی در دوران نوجوانی و اهمیت نگرش نوجوان نسبت به والدین خود و تأثیر آن بر روابط اجتماعی او و متعاقباً بروز احساس تنهایی، مطالعه حاضر بر آن است تا به بررسی احساس تنهایی در این زمینه بپردازد و این احساس را از بعد اجتماعی آن بکاود. در راستای پاسخ به این سؤال که آیا در این جامعه آماری نگرش نوجوان نسبت به پدرش، در بروز احساس تنهایی او نقش دارد و تأثیری که این احساس می‌تواند بر روابط اجتماعی او داشته باشد، فرضیه‌های زیر مطرح شده است:

- بین نگرش منفی نوجوان نسبت به پدر و احساس تنهایی رابطه مستقیم وجود دارد.
- رابطه بین نگرش نوجوان نسبت به پدر و احساس تنهایی، در دختران و پسران متفاوت است.
- نگرش نوجوان نسبت به پدر و احساس تنهایی با ترتیب تولد رابطه دارد.
- نگرش نوجوان نسبت به پدر و احساس تنهایی با موقعیت اجتماعی اقتصادی رابطه دارد.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر با یک طرح همبستگی، ۲۳۵ دانش‌آموز دبیرستانی (۱۳۱ دختر و ۱۰۴ پسر) از دبیرستان‌های شهرستان مریوان با میانگین سنی ۱۵ در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱، با

استفاده از روش تصافی خوشه‌ای به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند و به سؤالات مقیاس احساس تنهایی تجدیدنظر شده UCLA (راسل و همکاران، ۱۹۸۰) و پرسشنامه نگرش فرزند به پدر (هادسون، ۱۹۹۲) پاسخ دادند.

ابزار پژوهش

مقیاس احساس تنهایی تجدیدنظر شده UCLA: این مقیاس شامل ۲۰ گویه است و دامنه سنی ۱۴ تا ۱۸ سال را در بر می‌گیرد. از طریق مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت از ۱ تا ۴ (هرگز تا اغلب) نمره‌گذاری می‌شود و نارضایتی افراد از روابط اجتماعی‌شان و فقدان روابط صمیمانه را، می‌سنجد. کسب نمره بالاتر در این مقیاس به معنی شدت بیشتر احساس تنهایی است. دامنه نمره کسب شده در این مقیاس بین ۲۰ تا ۴۰ است. راسل و همکاران (۱۹۸۰) ضریب همسانی درونی این مقیاس را ۹۴٪ گزارش کرده‌اند. در پژوهش داورپناه (۱۳۷۳) ضریب همسانی برابر ۷۸٪ بوده است و در پژوهش رحیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) این ضریب برابر با ۸۳٪ درصد گزارش شده است.

پرسشنامه نگرش فرزند به والدین: این پرسشنامه شامل دو فرم مخصوص پدر و مادر است که در این پژوهش از فرم پدر آن استفاده شد. این مقیاس ۲۵ گزینه‌ای است و توسط مقیاس لیکرت از ۱ تا ۷ (هیچ وقت تا همیشه) نمره‌گذاری می‌شود و برای اندازه‌گیری میزان رضایت نوجوان از رابطه با پدر تهیه شده است. این پرسشنامه برای کودکان ۱۲ سال به بالا استفاده می‌شود. عبدالله‌زاده و همکاران، (۱۳۸۷) آلفای کرونباخ را برای این پرسشنامه ۸۷٪ بدست آوردند که بیانگر اعتبار درونی آن است.

یافته‌های پژوهش

میانگین و انحراف استاندارد سن آزمودنی‌های شرکت‌کننده در این پژوهش و سن پدران آنها، و همچنین میانگین و انحراف استاندارد نمرات آزمودنی‌ها در مقیاس‌های نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی به تفکیک جنسیت در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد سن آزمودنی‌ها، سن پدر و نمرات آن‌ها در مقیاس‌های نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی

آزمودنی‌ها	تعداد	سن	انحراف میانگین استاندارد	میانگین	سن پدر	انحراف میانگین استاندارد	نگرش نسبت به پدر	انحراف میانگین استاندارد	احساس تنهایی
دختران	۱۳۱	۱۵/۹۳	۰/۸۳	۴۴/۰۳	۷/۹۴	۹۳/۸۱	۳۱/۴۶	۴۸/۱۵	۱۲/۱۰
پسران	۱۰۴	۱۵/۲۳	۰/۸۵	۴۳/۸۸	۵/۹۷	۶۳/۹۴	۲۶/۳۸	۴۲/۴۹	۹/۹۲
کل	۲۳۵	۱۵/۵۴	۰/۹۱	۴۳/۹۴	۶/۹۱	۷۷/۱۶	۳۲/۳۰	۴۴/۹۹	۱۱/۲۷

همان‌طور که داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین سن و سن پدر در آزمودنی‌های دختر و پسر شرکت‌کننده در پژوهش تقریباً به هم نزدیک است اما میانگین نمرات دختران در نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی از پسران بیشتر است. فراوانی آزمودنی‌ها از لحاظ میزان درآمد خانواده و شغل پدر نیز در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. فراوانی آزمودنی‌ها از لحاظ میزان درآمد خانواده و شغل پدر

آزمودنی‌ها	تعداد	سطح درآمد	شغل پدر				
		بالا	متوسط	پایین	بیکار	آزاد	دولتی
دختران	۱۳۱	۴	۵۸	۶۹	۲	۴۰	۴۹
پسران	۱۰۴	۱۳	۴۱	۵۰	۳	۶۴	۳۷
کل	۲۳۵	۱۷	۹۹	۱۱۹	۵	۱۴۴	۸۶

با توجه به جدول ۲ در این جامعه آماری اکثر دانش‌آموزان متعلق به طبقات متوسط و پایین هستند.

برای آزمون فرضیه اول از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در آزمودنی‌های شرکت‌کننده در پژوهش بین نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/01$). به دلیل اینکه نمرات بالاتر در مقیاس نگرش نسبت به پدر، نشان‌دهنده نگرش منفی بیشتری نسبت به پدر است، می‌توان گفت که هرچه قدر نگرش منفی نسبت به پدر در آزمودنی‌ها افزایش می‌یابد میزان احساس تنهایی آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۳. ضریب همبستگی بین نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی به تفکیک جنسیت

شاخص	کل آزمودنی‌ها	دختران	پسران
ضریب همبستگی	۰/۶۸	۰/۴۹	۰/۸۱
سطح معنی داری	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود همبستگی بین نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی در پسران بیشتر از دختران است. اما برای آزمون معنی داری این تفاوت آزمون که در فرضیه دوم مطرح می‌شود از تحلیل واریانس چندمتغیره (مانکوا) استفاده شد که جدول ۴ نتایج آن را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره برای ارزیابی تفاوت دختران و پسران در رابطه بین

نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی

منابع تغییرات	مجموع مجذورات کل	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی داری
نگرش جنسیت	۵۱۷۲۱/۵۰۹	۱	۵۱۷۲۱/۵۰۹	۶۲/۶۳۷	۰/۰۰۰۱
تنهایی جنسیت	۱۸۶۰/۷۲۴	۱	۱۸۶۰/۷۲۴	۱۵/۵۴۹	۰/۰۰۰۱
نگرش خطا	۱۹۲۳۹۵/۶۶۵	۲۳۳	۸۲۵/۷۳۲		
تنهایی خطا	۲۷۸۸۲/۲۷۱	۲۳۳	۱۱۹/۶۶۶		
نگرش کل	۱۶۴۳۱۳۶/۰۰۰	۲۳۵			
تنهایی کل	۵۰۵۵۲۸/۰۰۰	۲۳۵			

همان‌طور که داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد مقدار $F=۶۲/۶۴$ بدست آمده از مقدار بحرانی جدول در سطح $p < ۰/۰۵$ یعنی $F(df=۱ و ۲۳۸, a=۰/۰۵)=۳/۸۸$ بزرگتر و بنابراین معنی دار است و می‌توان گفت که به احتمال ۹۵ درصد اطمینان اثر جنسیت به عنوان متغیر بین گروهی معنی دار است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی در دختران متفاوت از پسران است ($p < ۰/۰۱$). با توجه به اینکه ضریب همبستگی بین نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی در دختران $r=۰/۴۹$ و در پسران $r=۰/۸۱$ است می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی در

پسران قوی تر از دختران است. و هنگامی که نگرش نوجوان به پدر منفی باشد، پسران نسبت به دختران بیشتر احساس تنهایی می کنند.

جدول ۵. آزمون تحلیل واریانس یک راهه برای ارزیابی تفاوت بین نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی از لحاظ سه سطح ترتیب تولد

متغیرها	شاخصها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
نگرش نسبت به پدر	بین گروهی	۵۸۷/۳۴۷	۲	۲۹۳/۶۷۳	۰/۲۸۰	۰/۷۵۶
	درون گروهی	۲۴۳۵۲۹/۸۲۸	۲۳۲	۱۰۴۹/۶۹۸		
	کل	۲۴۴۱۱۷/۱۷۴	۲۳۴			
احساس تنهایی	بین گروهی	۵۷۲/۸۳۰	۲	۲۸۶/۴۱۵	۲/۲۷۸	۰/۱۰۵
	درون گروهی	۲۹۱۷۰/۱۶۶	۲۳۲	۱۲۵/۷۳۳		
	کل	۲۹۷۴۲/۹۹۶	۲۳۴			

برای آزمون فرضیه سوم از تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ آورده شده است. همان طور که مشاهده می شود مقدار $F=۰/۲۸$ بدست آمده در مورد نگرش نسبت به پدر از مقدار بحرانی جدول در سطح $p<۰/۰۵$ یعنی $p=۳/۰۳$ ، $a=۰/۰۵$ ، $F(df=۲و۲۳۲)$ کوچکتر و بنابراین غیرمعنی دار است و می توان نتیجه گرفت که به احتمال ۹۵ درصد اطمینان ترتیب تولد نقشی در نگرش نسبت به پدر ندارد و بین فرزندان اول، میانی و آخر از لحاظ نگرش نسبت به پدر تفاوت معنی داری وجود ندارد ($p>۰/۰۵$). ترتیب تولد در مورد احساس تنهایی نیز به مانند نگرش نسبت به پدر نقشی نداشت. همان طور که در جدول ۵ مشاهده می شود، مقدار $F=۲/۲۸$ به دست آمده در مورد احساس تنهایی از مقدار بحرانی جدول در سطح $p<۰/۰۵$ یعنی $p=۳/۰۳$ ، $a=۰/۰۵$ ، $F(df=۲و۲۳۲)$ کوچکتر و بنابراین غیرمعنی دار است و می توان نتیجه گرفت که به احتمال ۹۵ درصد اطمینان ترتیب تولد نقشی در نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی ندارد و بین فرزندان اول، میانی و آخر از لحاظ نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی تفاوت معنی داری وجود ندارد ($p>۰/۰۵$).

جدول ۶. آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه برای ارزیابی تفاوت بین‌نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی از لحاظ سه سطح درآمد بالا، پایین و متوسط

متغیرها	شاخص‌ها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
نگرش نسبت به پدر	بین گروهی	۲۳۰۱/۱۰۳	۲	۱۱۵۰/۵۵۱	۱/۱۰۴	۰/۳۳۳
	درون گروهی	۲۴۱۸۱۶/۰۷۲	۲۳۲	۱۰۴۲/۳۱۱		
	کل	۲۴۴۱۱۷/۱۷۴	۲۳۴			
احساس تنهایی	بین گروهی	۲۵/۶۷۰	۲	۱۲/۸۳۵	۰/۱۰۰	۰/۹۰۵
	درون گروهی	۲۹۷۱۷/۳۲۶	۲۳۲	۱۲۸/۰۹۲		
	کل	۲۹۷۴۲/۹۹۶	۲۳۴			

همان‌گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، نتایج آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه به منظور ارزیابی فرضیه چهارم نیز نشان می‌دهد تفاوتی بین نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی آزمودنی‌ها از لحاظ درآمد خانوادگی وجود ندارد ($p > 0.05$). همانطور که مشاهده می‌شود، هم مقدار $F=1/10$ به دست آمده در مورد نگرش نسبت به پدر و هم مقدار $F=0/10$ به دست آمده در مورد احساس تنهایی از مقدار بحرانی جدول در سطح $p < 0.05$ یعنی $F(df=2, 232, \alpha=0.05)=3/03$ کوچکتر و بنابراین غیرمعنی‌دار است و می‌توان نتیجه گرفت که به احتمال ۹۵ درصد اطمینان میزان درآمد خانوادگی نقشی در نگرش نوجوان نسبت به پدر و احساس تنهایی او ندارد ($p > 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین نگرش نوجوان نسبت به پدر و احساس تنهایی رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، نمره بیشتر در مقیاس نگرش به پدر حاکی از نگرش منفی‌تر نسبت به پدر است و هر چه این نگرش منفی بیشتر باشد، نوجوان بیشتر احساس تنهایی را تجربه می‌کند. این یافته مؤید یافته‌های پیشین از جمله لی‌راکس (۲۰۰۸)، است. بر طبق پژوهش‌لی‌راکس، نوع نگرشی که نوجوان نسبت به پدرش دارد مهم-

ترین و عمده‌ترین پیش‌بین برای احساس تنهایی نوجوان است. این پژوهش نیز با این جامعه آماری در تأیید یافته پیشین برآمد.

چنان که قبلاً نیز ذکر شد نگرش فرد و نوع جهان‌بینی‌اش، اساس تعاملات او با دیگران را شکل می‌دهد. نوجوان نیز نگرش خود را از تعامل با والدینش شکل می‌دهد. امروزه به دلیل تغییراتی که در ساختار زندگی رخ داده‌است، توجه پژوهشگران بر نقش پدر و درگیری او در تربیت فرزند به مراتب بیشتر از گذشته شده است (پاکدامن ۱۳۹۰). و حتی توجه به نوع درگیری پدر نیز خود مبحثی جداگانه را می‌طلبد که اشاره به وجوه مختلف این درگیری دارد، پژوهشگران به این نوع جنبه‌های درگیری و مشارکت پدر در رشد کودک اشاره کرده‌اند: در دسترس بودن، مسئولیت‌پذیری، پاسخدهی، صمیمیت و گشودگی (پلک و استووا^۱، ۲۰۰۱). روان‌تحلیل‌گران کلاسیک بر نقش پدر در مرحله ادیپی و اکتساب هویت کودک (ماهلر و گوسلینر^۲، ۱۹۵۵) تأکید کرده‌اند. البته اکثر پژوهشگران نقش پدر را در دوران کودکی و نوزادی کم‌رنگ‌تر و کم‌اهمیت‌تر از نقش مادر می‌دانند و دورانی که این نقش به بالاترین مرحله ظهور می‌رسد و اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، دوران نوجوانی است که پدر به عنوان فردی تلقی می‌شود که نوجوان با او همسان‌سازی می‌کند (فلوری^۳، ۲۰۰۵؛ کاپیکیران، ۲۰۱۲). لیبرمن و همکاران (۱۹۹۹)، معتقدند که ماهیت روابط پدرفرزندی در دوران نوجوانی تغییر می‌کند. به عنوان نمونه، مادران در این دوران همچنان رویه عاطفی روابط را با فرزندشان حفظ می‌کنند، در حالی که کیفیت روابط عاطفی پدرفرزندی چه در دختران و چه در پسران رو به افول می‌گذارد، که منجر به بروز احساس تنهایی می‌شود.

در پژوهش حاضر رابطه بین نگرش نسبت به پدر و احساس تنهایی با توجه به جنسیت متفاوت به دست آمد. به بیانی دیگر چه در گروه پسران و چه در گروه دختران این رابطه مثبت و معنی‌دار بود ولی در پسران رابطه قوی‌تر بود. این یافته با یافته حاصل از پژوهش-

1. Pleck & Stueve
2. Mahler & Gosliner
3. Flouri

های دیگر از جمله لی راکس (۲۰۰۸) همسو است، البته نکته‌ای که در تحقیق او شایان ذکر است، این است که حضور و درگیری پدر در زندگی پسر باعث می‌شود پسر نقش مرد بودن را از پدر بیاموزد و فقدان پدر منجر به بروز مشکلاتی در حوزه هویت جنسی پسر-شود. در مقابل حضور، درگیری و پشتیبان بودن پدر در زندگی دختر او را قادر می‌سازد تا مرزها و محدودیت‌های سالم را در روابط جنسی تشخیص دهد و در کنار آن صمیمیت را نیز پرورش دهد. در پژوهشی که توسط پاکدامن و همکاران (۱۳۹۰) انجام شده و به بررسی کیفیت دلبستگی و مشکلات هیجانی-رفتاری در نوجوانان پرداخته است و به طور اخص این رابطه را بر مبنای نقش پدران بررسی کرده است، جنسیت به عنوان عاملی معنی‌دار که به طور متفاوت بر این رابطه تأثیرگذار است، نمایان شده است. بر طبق نظر کیلین^۱ (۱۹۹۸)، عموماً باور بر این است که جنس مؤنث نسبت به جنس مذکر در مقابل احساس تنهایی آسیب‌پذیری بیشتری دارد. ولی بر اساس نظر ایندربیزن-پیساروک و همکاران^۲ (۱۹۹۲)، جنسیت به تنهایی تفاوتی در تجربه احساس تنهایی ایجاد نمی‌کند و تفاوت‌های جنسیتی بسته به متغیری که پیش‌بینی‌کننده احساس تنهایی است، معنی-دار هستند که این یافته با یافته تحقیقی حاضر هم‌خوانی دارد.

با در نظر داشتن این نکته که احساس تنهایی سازه‌ای پیچیده است و ممکن است عوامل بسیاری در بروز آن نقش داشته باشد، محققان بسیاری در تبیین دلایل بروز آن به تفحص پرداخته و البته گاه به نتایج مشابه و گاه به نتایج متفاوتی دست یافته‌اند. ولی آنچه مهم است این که از دل همه آن‌ها اهمیت پرداختن به این مبحث آشکار بوده است و این که دامنه‌ای را که به خود اختصاص می‌دهد بسیار گسترده است. بر طبق نظر (بوگاتز و همکاران^۳، ۲۰۰۶)، بین دلبستگی والدینی و بروز احساس تنهایی در نوجوانان رابطه خطی و مستقیمی چندان قوی‌ای وجود ندارد و دلبستگی به هم‌سالان، متغیری است که به عنوان میانجی در این رابطه عمل می‌کند. همسو با این یافته بوگاتز، (حجت^۴، ۱۹۸۲) به این نتیجه رسید،

-
1. Killeen
 2. Inderbitzen-Pisaruk *et al.*
 3. Bogaerts *et al.*
 4. Hojat

افرادی که با والدین خود روابط خوشایند و رضایت‌بخشی نداشته‌اند و آن‌هایی که در دوران کودکی قادر به برقراری روابط بین فردی معنادار با هم‌سالان خود نبوده‌اند، احتمال این که در دوران بزرگسالی احساس تنهایی را با شدت بیشتری تجربه کنند، قوی‌تر است. در اثر خوئی‌نژاد و همکاران (۱۳۸۶)، ادراک فرزندان از سبک‌های فرزندپروری والدین - شان می‌تواند احساس تنهایی آنان را تعدیل کند یا تغییر دهد. بر اساس گفته رحیم‌زاده و همکاران (۱۳۸۸)، سطوح بالای خوداثربخشی اجتماعی با احساس تنهایی کمتر همراه است و هر چه خوداثربخشی پایین‌تر باشد، احساس تنهایی افزایش می‌یابد.

پژوهش حاضر بر این نکته دلالت دارد که سطح درآمد خانواده بر نگرش نوجوان نسبت به پدر و احساس تنهایی تأثیرگذار نیست. این در حالی است که در پژوهش هاو کلی و همکاران^۱ (۲۰۰۳)، مؤلفه اجتماعی-اقتصادی (تحصیلات و درآمد) از جمله عواملی است که به طور غیرمستقیم می‌تواند بر احساس تنهایی اثر بگذارد. آنان معتقدند که پایگاه اجتماعی-اقتصادی مستقیماً بر نحوه شکل‌گیری و کیفیت روابط اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد که احساس تنهایی نیز می‌تواند متأثر از شبکه روابط اجتماعی افراد باشد. عدم وجود ارتباط غیرمستقیم پایگاه اجتماعی-اقتصادی با احساس تنهایی در این پژوهش می‌تواند ناشی از وجود متغیر نگرش نسبت به پدر باشد. این یافته می‌تواند مؤید این نکته باشد که اگر نگرش نوجوان نسبت به پدرش مثبت باشد، عاملی چون پایگاه اجتماعی-اقتصادی نمی‌تواند منجر به احساس تنهایی شود و یا این که تشدیدکننده و کاتالیزوری برای آن باشد.

بر طبق نظریه روانشناسی فردی بررسی منظومه خانوادگی افراد راهی مناسب جهت تبیین و درک بهتر رفتار آنان است. مبحث مهمی که در منظومه خانوادگی مورد توجه است، بررسی ترتیب تولد فرزندان، روابط فرزندان با هم و روابط فرزندان با والدین است. اهمیت ترتیب تولد فرزندان اولین بار توسط آلفرد آدلر^۲ در سال ۱۹۱۸ مطرح شد (آنسباچر

1. Hawkey et al.

2. Alfred Adler

و آنسباچر^۱، ۱۹۵۶). آدلرین‌ها بر این باورند که برداشت ذهنی کودک از جایگاهی که در خانواده دارد، تعیین‌کننده نگرش‌های او در زندگی است. بدین سان، برداشت ذهنی کودک است که اهمیت دارد نه جایگاه واقعی و عینی او. برداشت‌های ذهنی کودک و روابطی که در خانواده تشکیل می‌دهد، چارچوب ارجاعی خاص او را بوجود می‌آورند که از آن طریق به درک و تفسیر دنیا می‌پردازد. آدلرین‌ها ویژگی‌هایی را بسته به ترتیب تولد افراد در خانواده برای شش جایگاه ترتیبی (فرزند اول، دوم، میانی، آخرین، تک‌فرزند و فرزندخوانده) متصورند. البته آنان معتقدند که این ویژگی‌ها در همه موارد قطعی و ثابت نیستند ولی مؤلفه‌های مشترک و کلی آنان باعث می‌شود تا برخی از خصوصیات شخصیتی فرزندان بسته به ترتیب تولد، مشابه باشد (اکستین و کِرن، ۱۳۸۹). از آن جایی که ترتیب تولد موقعیتی که کودک در آن متولد می‌شود، می‌تواند بر نگرش و ویژگی‌های شخصیتی فرد تأثیر بگذارد، اثر پژوهشی حاضر بر آن شد تا تأثیر ترتیب تولد را بر رابطه بین نگرش به پدر و بروز احساس تنهایی بسنجد. که یافته‌های پژوهش حاضر نشان دادند ترتیب تولد نقشی در این رابطه ندارد. البته شایان ذکر است که در این تحقیق سه نوع ترتیب تولد (اول، میانی و آخر) مورد تفحص قرار گرفت. بلاک و همکاران^۲ (۲۰۰۳)، تأکید می‌کنند که بین افکار و رفتار رابطه وجود دارد و ترتیب تولد (تفسیر فرد از جایگاهش در خانواده) بر افکار و باورهای فرد اثرگذارند و در نهایت می‌توانند انتخاب شغل فرد در شرایط واقعی و عینی را تحت تأثیر قرار دهند. حاصل پژوهش آرمیتج^۳ (۲۰۰۷)، دو یافته است که یکی در تأیید مفهوم ترتیب تولد آدلر است و عنوان می‌کند که ترتیب تولد هر فرد ویژگی‌های خاص خود را دارد که بر اعمال، شیوه تفکر و ویژگی‌های شخصیتی‌اش اثرگذار است. یافته دیگر حاکی از این است که برخی از ویژگی‌ها هستند که کشف معنایشان دشوار است چرا که هر فرد بسته به جایگاه و ترتیب تولدش چنین می‌پندارد که ویژگی‌هایی را داراست که بیشتر از آن چیزی است که آدلر عنوان می‌کند، این یافته مخالف تئوری آدلر است.

-
1. Ansbacger and Ansbacher
 2. Black et al.
 3. Armitage

تأثیرات عمده ترتیب تولد بر دستاوردهای تحصیلی و عملکرد فرزند در مدرسه و میزان موفقیت او، مورد تأکید قرار گرفته است (بلاک و همکاران، ۲۰۰۵). بین شیوه تربیت و میزان حضور پدر و مادر با میزان تلاش فرزند در مدرسه و نهایتاً نحوه عملکرد فرزند ارتباط وجود دارد (تراوتوین و کولر، ۲۰۰۳؛ فان و چن، ۲۰۰۱؛ هور-دمپسی و همکاران، ۲۰۰۱). ولی در پژوهش حاضر ترتیب تولد بر نگرش به پدر و احساس تنهایی نوجوان اثرگذار نبود.

در کل یافته‌ها حاکی از این است که با توجه به این که احساس تنهایی مفهومی پیچیده و بسیار گسترده است، عوامل بی‌شماری می‌توانند در به‌وجود آوردن آن سهیم باشند. نگرش نسبت به پدر در دوران نوجوانی یکی از این مواردی است که منجر به پدید آمدن این احساس می‌شود. از جمله موارد دیگری که به شیوه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم احساس تنهایی را منجر می‌شوند می‌توان به ادراک فرزند از سبک دلبستگی والدین، خوداثربخشی اجتماعی، نوع روابط والد فرزند چه در دوران کودکی و چه در دوران نوجوانی و البته نقش و تأثیر بیشتر پدر در دوران نوجوانی نسبت به نقش مادر، نگرش و برداشت ذهنی فرد از روابط اجتماعی‌اش، اشاره کرد. با آگاهی از این نکته که خوداثربخشی اجتماعی یکی از ابعاد کفایت اجتماعی است و هم‌چنین این نکته که احساس تنهایی در پی ضعف و نقصان در روابط اجتماعی نیز می‌تواند به وجود آید، پس می‌توان پی برد که کفایت اجتماعی نیز یکی از عوامل بروز احساس تنهایی است. قبلاً ذکر شد که عدم درگیری پدر منجر به بروز احساس تنهایی می‌شود و هم‌چنین نوجوانانی که احساس تنهایی می‌کنند بیشتر گرایش به افسردگی، اضطراب، کنش‌های جنسی خطرناک، خودکشی و سوء رفتار دارند، پس می‌توان به این نتیجه رسید که احساس تنهایی در دوران نوجوانی می‌تواند منجر به بروز جرائم شود. که تأثیرات انکارناپذیری را بر زندگی آتی فرد خواهد داشت و جوانب حیاتی زندگی او را تهدید خواهد کرد.

-
1. Trautwein & Koller
 2. Fan & Chen
 3. Dempsey et al.

پژوهش حاضر محدودیت‌هایی داشت: اول این که پژوهش از نوع همبستگی است و علی نیست و دوم، از آنجا که نگرش نسبت به پدر یکی از دلایل پیش‌بین برای احساس تنهایی در دوران نوجوانی است و عوامل بسیاری می‌توانند در بروز این احساس در این برهه از زندگی نقش داشته باشند، پس لازم است تا با دیدی دقیق‌تر و موشکافانه‌تر به بررسی این قضیه پرداخت.

پیشنهادات

در مداخلات درمانی و همچنین برنامه‌های آموزش خانواده به اهمیت احساس تنهایی در دوران نوجوانی توجه بیشتری مبذول گردد و نگرش نوجوان نسبت به پدر را نیز به دیده اهمیت نگریست و به والدین و بالاختص پدران آموزش‌های لازم داده شود. و برای کارهای پژوهشی آتی به دلیل اهمیت دوران نوجوانی و اثراتی که در زمان بزرگسالی خواهد داشت، ابعاد بیشتری از احساس تنهایی در دوران نوجوانی کندوکاو شود.

منابع

- اکستین، دنیل؛ کرن، روی (۲۰۰۲). *ارزیابی و درمان سبک زندگی*. ترجمه‌ی علیزاده، حمید؛ سیفی، محسن؛ کرمی، فروزان (۱۳۸۹). اهواز: نشر ریش.
- خویی‌نژاد، غلامرضا؛ رجایی، علیرضا؛ محبراد، تکتم (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر. *دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی*، ۹ (۳۴)، ۷۵-۹۲.
- داورپناه، فروزنده (۱۳۷۳). *هنجاریابی نسخه تجدیدنظرشده مقیاس احساس تنهایی UCLA* برای دختران ۱۲ تا ۱۸ ساله در تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- رحیم‌زاده، سوسن (۱۳۸۹ الف). مفهوم‌سازی‌ها و اندازه‌های احساس تنهایی: مقایسه زیر مقیاس‌ها. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۲۳، ۲۷۷-۲۷۹.

رحیم‌زاده، سوسن؛ بیات، مریم؛ اناری، آسیه (۱۳۸۸). احساس تنهایی و خوداثربخشی اجتماعی در نوجوانان. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۲۲، ۸۷-۹۶.

رحیم‌زاده، سوسن؛ پوراعتماد، حمیدرضا؛ عسگری، علی؛ حجت، محمدرضا (۱۳۹۰). مبانی مفهومی احساس تنهایی: یک مطالعه کیفی. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۸ (۳۰).

پاکدامن، شهلا؛ سید موسوی، پریناسادات؛ قنبری، سعید (۱۳۹۰). کیفیت دلبستگی و مشکلات هیجانی-رفتاری در نوجوانان: بررسی نقش پدران. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۱ (۱۷)، ۸۵-۱۰۰.

لعلی‌فاز، احمد؛ عسگری، عباسعلی (۱۳۸۷). توان پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و متغیرهای جمعیت‌شناختی بر احساس تنهایی دختران دانش‌آموز. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۳۷، ۷۸-۷۱.

طهماسیان، کارینه؛ اناری، آسیه؛ صدق‌پور، بهرام‌صالح (۱۳۸۸). اثر مستقیم و غیرمستقیم خوداثربخشی اجتماعی در احساس تنهایی نوجوانان. *مجله علوم رفتاری*، ۲ (۳)، ۹۷-۹۳.

- Ansbacher, H. L. (1959). A key to existence: Editorial. *Journal of Individual Psychology*, 15(2), 141-142.
- Armitage, S. (2007). Birth Order: College Students' Perceptions of Their Ordinal Position Compared to Alfred Adler's Categories. *American Psychological Association*.
- Bennett, M., & Sani, F. (2003). *The development of the social self*. United Kingdom: Taylor & Francis.
- Black, S., P. Devereux and K. Salvanes (2005). The More The Merrier? The Effect of Family Size and Birth Order on Children's Education, *Quarterly Journal of Economics*, CXX, 669.
- Bogaerts, S., Vanheule, S., & Desmet, M. (2006). Feelings of Subjective Emotional Loneliness: An Exploration of Attachment. *Society for Personality Research*, 34((7), 797-812.
- Charity, J. (2003). When fathers aren't "Dads". Retrieved from <http://www.umm.maine.edu/resources/behachive/bexstudents/jackich/arity/jc320.html>, August 11, 2003.

- Ducharme, J., Doyle, A. B., & Markiewicz, D. (2002). Attachment security with mother and father: Associations with adolescents' reports of interpersonal behaviour with parents and peers. *Journal of Social and Personal Relationships*, 19, 203–231.
- Evans, G.D., & Fogarty, K. (1999). The hidden benefits of being an involved father. Retrieved from <http://edis.ifas.ufl.edu>, July 9, 2005.
- Fan, X. and M. Chen (2001). Parental involvement and students' academic achievement: A meta-analysis, *Educational Psychology Review*, 13:1-22.
- Flouri, E. (2005). *Fathering and child outcomes*. New York: John Wiley & Sons.
- Gierveld, J. d. J. (1998). A review of loneliness: concept and definitions, determinants and consequences. *Clinical Gerontology*.
- Furman, W., Simon, V. A., Shaffer, L., & Bouchev, H. A. (2002). Adolescents' working models and styles for relationships with parents, friends, and romantic partners. *Child Development*, 73, 241–255.
- Green, S. (2002). Involving fathers in children's literacy development: An introduction to the fathers reading every day (FRED) program. Retrieved from <http://www.joe.org/joe/2002october/iw4.shtml>, July 9, 2005.
- Hawkey, L. C., M. H. Burleson, G. G. Berntson, and J. T. Cacioppo. 2003. "Loneliness in Everyday Life: Cardiovascular Activity, Psychosocial Context, and Health Behaviors." *Journal of Personality and Social Psychology* 85:105-20.
- Hojat, M. (1982). LONELINESS AS A FUNCTION OF SELECTED PERSONALITY VARIABLES. *Journal of Clinical Psychology*, 38(1).
- Hoover-Dempsey, K. V., A. C. Battiato, J. M. T. Walker, R. P. Reed, J. M. De- Jong, and K. P. Jones (2001). Parental involvement in homework, *Educational Psychologist*, 36: 195-209.
- Inderbitzen-Pisaruk, H., Clark, M. L., & Solano, C. H. (1992). Correlates of loneliness in midadolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 21, 151–167.
- Kapikiran, S. (2012). Loneliness and Life Satisfaction in Turkish Early Adolescents: The Mediating Role of Self Esteem and Social Support. *Springer Science+Business Media*.
- Killeen, C. (1998). Loneliness: An epidemic in modern society. *Journal of Advanced Nursing*, 28, 762–770.
- Lamb, M. E. (2000). The history of research on father involvement: An overview. *Marriage and Family Review*, 29: 23-42.

- e Roux, A. (2001). Die verband tussen die Christelike geloof en eensaamheid tydens laat adolessensie. [The relationship between the Christian faith and loneliness during late adolescence]. *Acta Theologica*, 1, 83–105.
- Le Roux, A. (2008). The relationship Between Adolescents Attitudes Toward Their Fathers and Loneliness: A Cross-Cultural Study. *Department of Psychology, University of the Free State*(18), 219-226.
- Lieberman, M., Doyle, A., & Markiewicz, D. (1999). Developmental patterns in security of attachment to mother and father in late childhood and early adolescence: Associations with peer relations. *Child Development*, 70, 202–213
- Louw, D. A., & Edwards, D. J. A. (1998). Sielkunde: 'n inleiding vir studente in Suider-Afrika (2de uitgawe). [Psychology: An introduction for students in Southern Africa (2nd ed.). Johannesburg: Heinemann.
- McWhirter, B. T. (1990). Loneliness: A review of current literature, with implications for counselling and research. *Journal of Counselling and Development*, 68, 417–422.
- Mahler, M. S. & Gosliner, B. J. (1955). On symbiotic child psychosis: Genetic, dynamic and restitutive aspect. *Psychoanalytic Study of child*, 10: 195-212
- Peplau, L. A. (1988). *LONELINESS: NEW DIRECTIONS IN RESEARCH: Participate in the Challenge of Mental Health and Psychiatric Nursing.*
- Perlman, D., & Peplau, L. A. (1981). Toward a social psychology of loneliness. In R. Gilmour & S. Duck (Eds.), *Personal relationships: Personal relations in disorder* (pp. 31-56). London: Academic Press.
- Pleck, J. H. & Stueve, J. L. (2001). *Time and paternal involvement.* In K. Daly (ed), *Mining the time in family experience: Emerging perspective and issues.* Stamford: JAI Press
- Popenoe, D. (1996). *Life without fathers.* New York: Pressler Press.
- Rokach, A., Orzeck, T., Cripps, J., Lackovic-Grgin, K., & Penezic, Z. (2001). The effects of culture on the meaning of loneliness. *Social Indicators Research*, 53, 17–31.
- Russell, D, Peplau, L. A.. & Ferguson, M. L. (1978). Developing a measure of loneliness. *Journal of Personality Assessment*, 42, 290-294.
- Russell, D, Peplau, L. A.. & Cutrona, C. E. (1980). The Revised UCLA Loneliness Scale: Concurrent and discriminant validity evidence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 39, 472-489.
- Russell, D. (1996). UCLA Loneliness Scale (Version 3): Reliability, Validity, and factor structure. *Journal of Personality Assessment*, 66, 20-40.

- Saluja, G., Iachan, R., Scheidt, P. C., Overpeck, M. D., & Giedd, J. N. (2004). Prevalence of and risk factors for depressive symptoms among young adolescents. *Arch Pedriatra Adolesc Med*, 158, 760–765.
- Schoeman, W., & Van der Walt, M. (2001). Types of counselling. In E. van Niekerk & A. Prins (Eds.), *Counselling in Southern Africa. A youth perspective*. Sandown, South Africa: Heinemann.
- Smith, A. K. (1996). Father's roles. Retrieved from <http://www.ohioline.osu.edu/hyg-fact/5000/5212.html>, March 7, 2002.
- Sullivan, H. S. (1953). *The interpersonal theory of psychiatry*. New York: Norton.
- Van Tilburg, T., Havens, B., & Gierveld, J. D. (2004). Loneliness among older adults in the Netherlands, Italy, and Canada: A multifaceted comparison. *Canadian Journal on Aging-Revue Canadienne Du Vieillissement*, 23, 169-180.
- Taylor, S. F., Peplau, L. A., & Sears, D. O. (2003). *Social psychology* (11th ed.). New Jersey: Prentice Hall.
- Trautwein, U. and O. Koller (2003). The relationship between homework and achievement: Still much of a mystery, *Educational Psychology Review* 15, 115-45.
- Williams, S. K., & Kelly, F. D. (2005). Relationships Among Involvement, Attachment, and Behavioral Problems in Adolescence: Examining Father's Influence. *The Journal of Early Adolescence*, 25: 168-196.
- Weiss, R. S. (1973). *Loneliness: The experience of emotional and social isolation*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Group Work With Adolescents: Principles and Practice*. Andrew Malekoff. New York and London: The Guilford Press, 1997, 306 pp.